



فصل‌نامه تحقیقات تمثیلی در زبان و ادب فارسی

دانشگاه آزاد اسلامی - واحد بوشهر

شماره چهارم - تابستان ۱۳۹۸ - از صفحه ۲۹ تا ۴۲

تمثیل در شعر میرزا حبیب خراسانی

سعیده ساکی انتظامی^{۱*}، محمد یوسف وند^۲، سید احمد حسینی کازرونی^۳

۱- مربی گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد خرم آباد، ایران

۲- گروه زبان انگلیسی دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران

۳- استاد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد بوشهر، ایران

چکیده:

در این مقاله با محور تمثیل به بررسی اشعار میرزا حبیب خراسانی با مفاهیم مبتنی بر تقابل عقل و عشق و جسم و جان پرداخته شده است. اشعاری که در آنها تشبیه محمل ایجاد تمثیل است. از دیرباز تمثیل یکی از ابزارهای مهم بلاغی مورد توجه شاعران بوده است؛ لذا شاعران سعی در استفاده از آن داشتند. میرزا حبیب خراسانی نیز با استفاده از تمثیل‌هایی که دارای بار معنایی تصویری و اندیشه است اول سعی در ایجاد تصاویر و ایماژ در شعر در جهت خیال‌انگیز کردن آن و ایجاد لذت در مخاطب دارد. شاعر با استفاده از ایماژ به بیان ادراکات حسی و عاطفی خود می‌پردازد؛ دوم سعی در ابلاغ و انتقال پیام دارد؛ در واقع هر تمثیل با بار معنایی اندیشه، پیامی در خود دارد که آنرا به مخاطب انتقال می‌دهد. در این نوع تمثیل در جهت درک مفاهیم انتزاعی از امور حسی برای توضیح آن بهره برده می‌شود. این مقاله به شیوه کتابخانه‌ای و از طریق فیش برداری به شیوه توصیفی تحلیلی در دیوان اشعار میرزا حبیب خراسانی صورت گرفته است.

واژه‌های کلیدی: تصویر سازی تمثیل، عشق، عقل، میرزا حبیب خراسانی

مقدمه

در سنن ادبی تقابل عقل و عشق و جسم و جان از دیر باز در میان شاعران مرسوم بوده است و سابقه‌های دیرینه دارد. این تضاد در مسابقه‌ای بین آنان همواره دستمایه شاعران و عارفان بوده است. در این میان شاعران عقل را در مقابل عشق به موارد گوناگونی از جمله رسن و بند تشبیه کرده‌اند و عقل مانند جسم است در مقابل عشق که روح برای جسم محسوب می‌شود. تن اهریمن و جان مانند سلیمان است؛ جان مانند یوسف و تن مانند پیراهن است و بالاخره عشق مانند شاهی است که عقل فرمانبر آن است. در دنیای شعر همواره جسم و جان و عقل و عشق به صورتهای گوناگون در مقابل یکدیگر قرار گرفته‌اند و برنده این میدان جان و عشق است و جسم و عقل مورد سرزنش واقع شده‌اند. شاعران در ادبیات تمثیلی نیز از این تقابل غافل نمانده‌اند و میرزا حبیب خراسانی (۱۲۶۶-۱۳۲۷ ه.ق) شاعر دوره قاجار نیز در لابه‌لای اشعار خود در قالب تمثیل به این موضوع پرداخته است. میرزا حبیب خراسانی یکی از شاعران دوران مشروطیت است که مدتی عهده‌دار امور حاکم شرع وقت بود سپس گوشه عزلت گزید و به پرورش روح و تزکیه نفس خویش پرداخت تا از حظوظ و لذات روحانی بهره‌مند گردد.

در این بیت عقل مشبه معقول است که به بدن تشبیه شده است که مشبه به محسوس است در حالی که می‌خواهد جسم را با عشق که مانند روح است عوض کند.

عشق چون روح و عقل چون بدن است این بدن را به عشق سوداکن

(خراسانی، ۱۳۵۳: ۱۸۶)

در این بیت جان مشبه معقول است که به سلیمان مشبه به محسوس تشبیه شده است.

جان سلیمان و تن چو اهریمن اهرمن را به عشق سوداکن

(خراسانی، ۱۳۵۳: ۱۸۵)

تمثیل یکی از محمل‌هایی است که برای این مقایسه و نشان دادن این تضاد به کار برده شده

است. هدف از تمثیل توضیح و شرح مطلب است به طوری که آنرا برای مخاطب هر چه ملموس و عینی‌تر کند و لذا از آنجا که در تمثیل با مسائل عقلی و ذهنی از جمله عشق، عقل، روح، جان، اهریمن و ... روبه‌رو هستیم. شاعر به دنبال راهی برای فهم دقیق‌تر مخاطب از این مفاهیم انتزاعی و غیر مادی است و آن را با محمل تمثیل ارائه می‌دهد. «چون موارد ذکر شده از نوع مفاهیم مجرد و عقلی‌اند، پس نیاز به وجود یک تمثیل است تا مطلب عقلی را با مباحث حسی و صریح به وضوح شرح و بسط دهد» (شمیسا، ۱۳۸۵: ۲۲۵). تقابل عقل و عشق و جسم و جان گرچه یکی از سنن ادبی است و دارای سابقه‌ای دیرینه در ادب فارسی است اما با توجه به اینکه تمثیل یکی از ابزارهای بلاغی مورد توجه سخنوران است لذا می‌توان ادعا کرد که جستجو با دیدگاه تمثیلی به عنوان یک منبع مستقل نه تنها تکراری نیست بلکه ممکن است مؤثر باشد. تقابل عقل و عشق یکی از مفاهیم مسبوق به سابقه در تاریخ شعر و ادب فارسی است. اما هدف از این مقاله بررسی این تقابل با دیدگاهی نوین یعنی بررسی تمثیل‌های ساخته شده با شبهه معقول و شبهه به محسوس مرکب است که در دیوان اشعار میرزا حبیب خراسانی نیز کم نیست.

پرسش‌های پژوهش:

- ۱- شناخت انواع تمثیل از نظر محتوایی و مفهوم و تفاوت آنها در شعر شاعران عصر قاجار.
- ۲- شناخت انواع تمثیل از نظر محتوای و مضمون در لایه‌های شعر میرزا حبیب خراسانی.
- ۳- شناخت انواع تمثیل از نظر مفهوم و تفاوت آنها در شعر میرزا حبیب خراسانی.

پیشینه تحقیق:

در زمینه تقابل عقل و عشق تحقیقات فراوانی انجام گرفته است که در اینجا به مختصری از این مقالات اشاره می‌گردد:

- ۱- مرتضی رزاق پور و همکاران (۱۳۹۳) در مقاله بررسی و تحلیل تصویرپردازی از عقل در اشعار سنایی، به این نتیجه رسیده‌اند کاربرد مفاهیم انتزاعی و دشوار حکمی و فلسفی در آثار منظوم عرفانی به طرق و شیوه‌های مختلفی در قالب حکایت‌های تمثیلی، داستان‌های تعلیمی و

موعظه‌های اخلاقی مرسوم بوده است، تصویرسازی از عقل در اشعار سنایی متنوع است و از انواع عناصر هنری در به تصویر کشیدن واژه عقل در معانی مختلف آن سود جسته است. تأکید سنایی در به کاربردن آرایه‌های معنوی بیشتر از آرایه‌های لفظی است و کثرت کاربرد تمثیل در اشعار سنایی در تبیین و تفهیم مسایل دشوار از ویژگی های شعر او است. (رزاق پور، ۱۳۹۳: ۳۳).

۲- غلامرضا حیاتی و همکاران (۱۳۹۵) در مقاله بررسی نوستالژی عشق، هجران و حرمان در چهارپاره "قفل طلا"ی حمیدی شیرازی با تکیه بر عنصر تمثیل و شواهد تمثیلی تلاش کرده اند که با استفاده از عنصر تمثیل و شواهد تمثیلی، نوستالژی عشق و هجران معشوق در یکی از اشعار زیبای حمیدی شیرازی مورد بررسی و تحلیل قراردهند و عشق را از دیدگاه تمثیلی مورد بررسی قرار داده‌اند. (حیاتی، ۱۳۹۵: ۱۱۳).

اهداف تحقیق:

- ۱- بررسی و شناخت تمثیل به وسیله تشبیه بر اساس (مشبه معقول و مشبه به محسوس مرکب) و تمییز آن از انواع دیگر تمثیل.
- ۲- بررسی کاربرد تمثیل و طبقه بندی آن از نظر انواع کاربرد آن در شعر میرزا حبیب خراسانی
- ۳- شناخت بسامد مضمون در تمثیل سازی بر اساس تشبیه (مشبه معقول و مشبه به محسوس مرکب) در شعر میرزا حبیب خراسانی

روش تحقیق:

این مقاله یک پژوهش بنیادی است که بر اساس پژوهش توصیفی در شعر میرزا حبیب خراسانی به شیوه کتابخانه ای و از طریق فیش برداری و به شکل تحلیلی - توصیفی صورت گرفته است.

تعاریف:

کاربرد تمثیل برای مثال آوردن و شبیه و مثل آوردن در نظم و نثر است. تمثیل: «مصدر عربی

است به معنی مثل آوردن، تشبیه کردن چیزی به چیزی، نگاشتن پیکر نگاشته مانند پیکری، تمثال، مثل و مثال و داستان و افسانه و کنایه، تقلید و آوردن شبیه» (دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۵: ۶۹۷۰) «تمثیل تشبیهی است که مشبه به آن جنبه مثل یا حکایت داشته باشد، در تشبیه، تمثیل، مشبه، امری معقول که برای تقریر و اثبات آن مشبه به، مرکب و محسوس ذکر می شود.» (شمیسا، ۱۳۶۹: ۱۱۰) تمثیل «تشبیهی است که وجه شبه در آن امری متزع از امور عدیده باشد.» (پورنامداریان، ۱۳۷۶: ۱۴۰).

انواع تمثیل از نظر محتوا:

از دیدگاه برخی محققین می توان تمثیل را از نظر موضوع و محتوا به چند بخش تقسیم کرد که در ذیل ذکر می گردد:

- ۱- «تمثیل اخلاقی که درون مایه آن یک نکته اخلاقی است. مانند: حکایت بوستان و گلستان سعدی، کلیله و دمنه و مرزبان نامه
 - ۲- تمثیل سیاسی تاریخی که حوادث تاریخی و سیاسی را باز می نمایند مانند: موش و گربه عبید زاکانی.
 - ۳- تمثیل رمزی، حکایتی است که در آن غرض اصلی گویند مبهم است. مانند: منطق الطیر عطار.
 - ۴- تمثیل رؤیا، روایتی تمثیلی است که در آن راوی در عالم خواب، سفری روحانی را آغاز می کند و پس از بیداری آن را برای دیگران روایت می کند. مانند معراج نامه ها» (حسینی، ۱۳۹۶: ۵۷)
 - ۵- تمثیل تصویری، تمثیلی است که در آن هدف، تصویرسازی و توصیف است و شاعر با استفاده از ایماژ، برداشتهای عاطفی و ادراکات حسی خود را بیان می کند.
 - ۶- تمثیل اندیشه، تمثیلی است که در آن امور مجرد و عقلی باید با امور حسی و عینی درک شود و در عین حال تمثیل دارای پیام و تفکر ویژه می باشد.
- این مقاله قصد بررسی شعر میرزا حبیب خراسانی از دو دیدگاه را دارد و ویژگی های تمثیل در اشعار میرزا حبیب خراسانی به دو بخش تقسیم می شود:

۱- تمثیل تصویری

۲- تمثیل‌های اندیشه

الف: کاربرد تمثیل تصویری:

تصویرسازی و وصف یکی از اهداف شاعران است؛ معنای شعر با توصیف همراه است و شاعر با توصیف امور به شعرگویی و ارائه شعر می‌پردازد. تمثیل نیز یکی از ابزارهای توصیف است که شاعران با استفاده از آن به توصیف می‌پردازند و گاهی در جهت توضیح مفاهیم انتزاعی و ذهنی از آن بهره می‌برند. ایماژ و تصویرسازی وسیله‌ای برای بیان برداشت‌های عاطفی در امور ذهنی و انتزاعی است. «تصویر، خیال یا ایماژ، صورت ذهنی‌ای است که هنرمند با یاری کلمات از برداشته‌های عاطفی و ادراکی خود از طبیعت و اشیاء دور و بر خود به دست می‌دهد تا از طریق انواع آن و تشبیه، استعاره، تمثیل، نماد و ... تجربیات خود را به ذهن خواننده یا شنونده انتقال بدهد.» (میرصادقی، ۱۳۷۷: ۶۴) یکی از شیوه‌های توصیف، تمثیل است که میرزا حبیب خراسانی از آن با هدف ایجاد لذت در خواننده و شنونده به وفور بهره برده است و برای به نمایش گذاشتن میزان قدرت شاعر در گویندگی از تصویرسازی بهره گرفته شده است. تمثیل تصویری، تمثیلی است که در آن هدف، تصویرسازی و توصیف است و شاعر با استفاده از ایماژ، برداشته‌های عاطفی و ادراکات حسی خود را بیان می‌کند. میرزا حبیب خراسانی از تمثیل انبیاء با بسامد بالایی بهره برده است و در برخی شعرها شاعر به تصویرسازی محض پرداخته است که به آنها می‌توان لقب تمثیل تصویری داد؛ در این بخش برخی از شعرهای تمثیلی میرزا حبیب خراسانی که جنبه تمثیل تصویری دارد ذکر می‌گردد:

۱- شعرهایی که مبتنی بر تمثیل تصویری است:

در جایی موسی نماد تمثیلی عشق است، از دید شاعر عشق مانند آتشی در طور برافروخته شده است. در این بیت عشق مشبه معقول است مانند موسی مشبه به محسوس مرکب در حالی که بیهوش و از خود بیخود است، آمد.

منصعق آمد ز طور موسی عمران عشق

جلوه گر آمد ز دور آتش مهر ظهور

(خراسانی، ۱۳۵۳: ۱۵۰)

در جایی دیگر مرغ سلیمان نماد تمثیلی عشق است؛ یعنی عشق مشبه معقول است و مانند
هدهد به نزد سلیمان در سبا می رود که مشبه به محسوس مرکب است.

نفخه باد صبا زد به چمن مرحبا رفت به شهر سبا مرغ سلیمان عشق

(خراسانی، ۱۳۵۳: ۱۵۰)

مثلاً در جایی دیگر می گوید: کفرکه مشبه معقول است مانند زلف بلند و روی هم پیچیده و
زنارمانندی است که صلیبی به آن آویخته باشند. و زلف زنارمانند آویخته با صلیب مشبه به
محسوس مرکب است.

کفر زلفش با چلیپایی چه زنار افکند بیم آن دارم که عالم را همه کافر کند

(خراسانی، ۱۳۵۳: ۲۴۹)

همچنین در موارد زیر تمثیل تصویری آمده است. عشق مشبه معقول است و مشبه به محسوس
مرکب عقل و جنون است که مانند انسانی است که در مقابل پادشاه عشق از خجالت سر به
زیر افکنده است. در اینجا شاعر با ساختن این تمثیل در حال تصویر سازی محض است.

عشق افکنده سر از خجالت در زیر جنون خاست بر پای که ای خسرو با شوکت و فر

(خراسانی، ۱۳۵۳: ۴۹)

ب: کاربرد تمثیل اندیشه:

از یک طرف استفاده از عناصر حسی برای توضیح امر انتزاعی و ذهنی یک امر عقلی است؛
زیرا برای پی بردن به امور مجرد و عقلی باید از امور حسی و عینی بهره برد و این زمینه
چینی، امری عقلی است از طرف دیگر منظور از اندیشه، داشتن یک پیام و یک تفکر در تمثیل
است. همانطور که گفته شد تمثیل اندیشه بر آن نوع از تمثیل اطلاق می گردد که در آن شاعر
برای تبیین و تفهیم امور مجرد و عقلی از امور حسی و عینی استفاده می کند در عین حال در
شعر میرزا حبیب خراسانی این نوع تمثیل دارای پیام نیز هست یعنی شاعر در این تمثیلهای در

ضمن توصیف، اندیشه و پیامی را نیز منتقل می‌کند.

۲- شعرهایی که مبتنی بر تمثیل اندیشه است:

در این بیت به وسیله تمثیلی شاعر عقل را به تابلوی نقاشی یا تصویری ساکت و بی صدا تشبیه می‌کند که بر روی دیوار نقش بسته است؛ یعنی عقل در مقابل عشق سکوت می‌کند و قدرت تکلم ندارد. در این بیت به نظر میرزا حبیب خراسانی عقل یارای سخن گفتن ندارد و در مجلسی که عشق باشد عقل سکوت اختیار می‌کند و مجالی برای سخن گفتن نمی‌یابد. در واقع میرزا حبیب خراسانی این اندیشه را بیان می‌کند که عقل در مقابل عشق جرأت اظهار وجود ندارد. عقل مشبه معقول است در مقابل عشق مانند نقشی ساکت بر روی دیوار است که مشبه به محسوس مرکب است.

عقل اگر در بزم ما گامی نهاد
بر مثل چون صورت دیوار بود

(خراسانی، ۱۳۵۳: ۳۸)

و در تمثیلی دیگر عقل را به انسانی تشبیه کرده است که صدای عشق را نمی‌شنود زیرا عقل نباید رازهای عشق را بشنود و هرگز عقل و عشق همراز نخواهد شد. این بیت اندیشه و پیامی را منتقل می‌کند در واقع یک اندیشه را تحت عنوان یک جمله بیان می‌کند: عقل و عشق هرگز همراز نخواهند شد. عقل مشبه معقول است مانند انسانی است که صدای عشق را نمی‌شنود که مشبه به مرکب محسوس است.

گوش عقل این نوا نمی‌شنود
عقل با عشق کی شود همراز

(خراسانی، ۱۳۵۳: ۴۹)

از دیدگاه شاعر دنیای عشق دنیایی وسیع و بی پایان است. یعنی عشق به دنیایی بی پایان تشبیه شده است. عشق مشبه معقول است و دنیای بی پایان مشبه به محسوس مرکب است.

چه مغربها و مشرقها است در عشق بهر یک نیر تابانِ دیگر
(خراسانی، ۱۳:۱۳۵۳)

در جایی دیگر میرزا حبیب خرد را به جام جهانبینی که می گویند اسکندر داشت تشبیه می کند. خرد مشبه معقول و جام جهان بین اسکندر مشبه به محسوس مرکب است.

خرد جام جهان بین و آب خضراست که جز وی آینه اسکندری نیست
(خراسانی، ۲:۱۳۵۳)

و در ادامه می گوید: خرد مانند تخت سلیمان است که دیو و پری اجازه رفت و آمد به آن را ندارد. خرد مشبه معقول است و تخت سلیمان که دیو و پری اجازه رد شدن از آن را ندارند مشبه به مرکب محسوس است.

خرد تخت سلیمان است و در وی ره آمد شد دیو و پری نیست
(خراسانی، ۲:۱۳۵۳)

میرزا حبیب عقل را مانند طنابی بر پای عشق می داند، تمثیل عقل به طناب و بند بر پای عشق یکی از تمثیل‌هایی کهن و نمادین است که در سنن ادبی در تقابل عقل و عشق از دیر باز در میان شاعران مرسوم بوده است. در این بیت در واقع شاعر در حال ارائه یک اندیشه است. یک جمله قصار، که به عنوان یک بند می گوید: عقل برای عشق مانند طناب و مهار است. عقل مشبه معقول است که به طناب تشبیه شده در حالی که به پای عشق بسته شده باشد که مشبه به محسوس مرکب است.

عقل بر پای عشق چون رسن است این رسن را به عشق سودا کن
(خراسانی، ۱۸۶:۱۳۵۳)

عقل همواره نهی کننده و بازدارنده از عشق بوده است اما عشق کار خود را می کند. همچنان که حافظ نیز لقب عقیده را برای عشق به کار برده است.

گرد دیوانگان عشق مگرد
که به عقل عقیده مشهوری
(حافظ، ۱۳۷۴: ۷۵۴)

و در جایی دیگر با استفاده از تمثیل یوسف به جان اینچنین می‌گوید: یوسف نماد تمثیلی روح برای جسم است و جسم در مقابل یوسف نماد و تمثیلی از پیراهن یوسف است، جان مشبه معقولی است که یوسف مشبه به محسوس آن است.

جان چو یوسف بتن چو پیراهن
پیرهن را به عشق سودا کن
(خراسانی، ۱۳۵۳: ۱۸۵)

در جایی دیگر نیز از نماد تمثیلی بهره برده است. به این شیوه که سلیمان نماد روح است در مقابل جسم که نماد تمثیلی اهریمن و شیطان دانسته شده است. جان مشبه معقول است و سلیمان مشبه به محسوس.

جان سلیمان و تن چو اهریمن
اهریمن را به عشق سودا کن
(خراسانی، ۱۳۵۳: ۱۸۵)

و در موارد عدیده دیگر که ذکر می‌گردد نیز می‌توان دید که تمثیل در شعر میرزا حبیب خراسانی از طریق مشبه معقول به مشبه به محسوس ساخته شده است. در اینجا عشق مشبه معقول و شاهی که فرمان می‌دهد مشبه به محسوس مرکب است.

چون رسد فرمان شاه عشق نیست
عقل را چاره به جز فرمان بری
(خراسانی، ۱۳۵۳: ۳۶)

و در اینجا عشق مشبه معقول است که مانند مطربی در حال نواختن و خواندن است که مشبه به محسوس مرکب است.

مطرب عشق دوش خوش می‌گفت
با نوای دف و صدای رباب
(خراسانی، ۱۳۵۳: ۵۱)

ج) تقابل تمثیلی عقل و عشق در شعر دیگر شاعران:

در این بخش هدف نویسنده بررسی کلیه اشعار در ادب فارسی و یا بررسی کلیه آثار صائب و سعدی نیست؛ زیرا این امر از عهده این مقاله خارج است و در مجال دیگری باید به آن پرداخت لذا هدف از آوردن این بخش نشان دادن مسبوق به سابقه بودن این نوع تمثیل در شعر دیگر شاعران است. در تمثیلی تصویری صائب تبریزی این تقابل را با این دیدگاه بیان کرده است. عقل مشبه معقول است و مانند مبارزی است که می‌خواهد با عشق بجنگد و پنجه در پنجه حریف خود عشق افکنده است حریف در حالی که مبارزه می‌کند مشبه به محسوس مرکب است و در این مبارزه عقل تاب و توان پیروزی بر عشق را ندارد.

پنجه مومین حریف پنجه خورشید نیست عقل، بیجا پنجه با عشق غیور انداخته است
(صائب تبریزی، ۱۳۹۲: ۳۷۶)

و در این تمثیل اندیشه نیز سعدی عقل را به فرمانروایی تشبیه کرده است که فرمانش اعتباری ندارد. عقل مشبه معقول و فرمانروای بی اعتبار مشبه به محسوس مرکب است.

ماجرای عقل پرسیدم ز عشق گفت معزول است و فرمانش نیست
(سعدی، ۱۳۸۹: ۹۴۸)

و در این بیت نیز تمثیلی از این دست به چشم می‌خورد. عقل مشبه معقولی است و مانند کسی است که می‌خواهد با عشق رقابت کند مشبه به محسوس مرکب است اما در رقابت با خاقان عشق ناموفق است.

ای عقل نگفتم که تو در عشق نگنجی در دولت خاقان نتوان کرد خلافت
(سعدی، ۱۳۸۹: ۱۰۳۷)

نتیجه

در این مقاله نمادهای تمثیلی مختلفی در شعر میرزا حبیب خراسانی دیده می‌شود؛ از جمله عقل و عشق و جان که با تمثیلهایی مانند: سلیمان، موسی، یوسف، خضر و اسکندر به تصویر

کشیده شده‌اند. عقل، عشق و جان که مشبه معقول واقع شده‌اند با انبیاء مذکور به عنوان مشبه به محسوس مرکب به تصویر کشیده می‌شوند. تقابل عقل و عشق از سنن ادبی محسوب می‌شود که در شعر شاعران دیگر نیز مسبوق به سابقه است که ذکر گردید. همانگونه که گذشت از تمثیل به عنوان محملی برای تصویرسازی در شعر میرزا حبیب خراسانی بهره برده شده است و به وسیله تمثیل کلمات را به یکدیگر پیوند داده و بیت مانند تابلویی شگفت‌انگیز در ذهن خواننده مجسم می‌شود. هدف شاعر از این تصویرسازی‌ها قدرت‌نمایی در شاعری و بازی با کلمات و تصویرسازی و هر چه دلپذیرتر ساختن شعر و هنرنمایی شاعر است. به کار بردن تمثیل تصویری برای بیان ادراکات و عواطف یکی از هنرهای شاعر است. گاه در لابه‌لای تمثیلهای اندیشه‌هایی نیز بیان می‌گردد که می‌توان از آن به تمثیل اندیشه یاد کرد؛ در واقع اینچنین می‌توان نتیجه گرفت که بیشترین تمثیل‌های بیان شده در شعر میرزا حبیب خراسانی از نوع تمثیل اندیشه و تمثیل تصویری می‌باشند و یا به عبارت دیگر می‌توان گفت: به طور کلی بیشینه بسامد انواع تمثیل به کار رفته در شعر میرزا حبیب خراسانی از این دو نوع تمثیل پیروی می‌کند. ۱- تمثیل تصویری ۲- تمثیل اندیشه.

تمثیلهای به کار رفته در شعر میرزا حبیب خراسانی به تفکیک نوع:

جدول ۱

تمثیل تصویری	تمثیل اندیشه
عشق مانند آتش	عشق مانند مطرب
عشق مانند هدهد	عقل مانند جام جهان بین
عشق مانند انسان	عقل مانند طناب
عقل مانند تخت سلیمان	عقل مانند دنیا
عقل مانند نقاشی	جان مانند سلیمان
کفر مانند زلف	جان مانند یوسف

منابع و مأخذ:

۱. پورنامداریان، تقی. (۱۳۷۶). رمز و داستان های رمزی در ادب فارسی. تهران: علمی و فرهنگی.
۲. حافظ. (۱۳۷۴). دیوان اشعار. قزوینی - غنی. به اهتمام: عبدالکریم جریزه دار. تهران: اساطیر.
۳. حسینی، سید جمال، کی منش، عباس و دانشگر، آذر. (۱۳۹۶). تمثیل مثالک و کاربرد آن در کلیدر. فصل نامه تحقیقات تمثیلی در زبان و ادب فارسی. ش: ۳۲. ص: ۵۷.
۴. حیاتی، غلامرضا و علی دهقان و سید احمد حسینی کازرونی. (۱۳۹۵). بررسی نوستالژی عشق، هجران و حرمان در چهارپاره "فعل طلا"ی حمیدی شیرازی با تکیه بر عنصر تمثیل و شواهد تمثیلی. فصلنامه تحقیقات تمثیلی در زبان و ادب فارسی. دوره ۸. شماره ۳۰. صفحه ۱۱۳-۱۳۲.
۵. خراسانی، میرزا حبیب، (۱۳۵۳). دیوان اشعار، بسعی و اهتمام علی حبیب، تهران: زوار.
۶. دهخدا، علی اکبر، (۱۳۷۷). لغت نامه دهخدا، ج پنجم. تهران: موسسه دانشگاه تهران.
۷. رزاق پور، مرتضی و رضا صادقی شهپر و اکرم مصفا. (۱۳۹۳) بررسی و تحلیل تصویرپردازی از عقل در اشعار سنایی. نشریه زیبایی شناسی ادبی. دوره ۵. شماره ۲۲. صفحه ۳۴-۱۵.
۸. سعدی، مصلح بن عبدالله، (۱۳۸۹). دیوان غزلیات سعدی، ج دوم. تهران: مهتاب.
۹. -----، (۱۳۸۹). دیوان قصاید سعدی، ج اول. تهران: مهتاب.
۱۰. شمیسا، سیروس، (۱۳۶۹). بیان. تهران: توس.
۱۱. -----، (۱۳۸۵). بیان. تهران: میترا.
۱۲. صائب، محمد علی. (۱۳۹۲). دیوان صائب تبریزی. مقدمه فرشید اقبال. تهران: اقبال.
۱۳. میر صادقی، جمال و میمنت میر صادقی، (۱۳۷۷). واژه نامه هنر داستان نویسی، تهران: کتاب مهناز.



Allegoric in Mirza Habib Khorasani's Poem

Saeedeh Saki Entezami^{1*}, Mohammad Yousefvand², Seyed Ahmad Hosseini Kazerooni³

1-Lecturer of Persian language and literature, college of human science, khorrabad Branch, Islamic Azad University, khorrabad, Iran.

2-English language and literature, phd in linguistics, Razi University of Kermanshah, Iran.

3-Full professor of Persian language and literature, college of human science Bushehr, Branch, Islamic Azad University, Bushehr Iran.

Abstract

In this article, by considering the allegory, the poems of Mirza Habib Khorasani are discussed with the concepts based on the contrast between reason and love and body and soul. The poems in which allegory is created by using simile. From ancient times, allegory has been one of the important rhetorical devices of poets and they have tried to use it. Mirza Habib Khorasani also uses allegories that have visual meaning and thought. First, he attempts to create images in poetry in order to fantasize it and create pleasure in the audience. The poet uses his image to express his emotional perceptions; second, he attempts to convey and transfer the message; in fact, any allegory with the meaning of the thought has a message that transmits it to the audience. This type of allegory is used to understand the abstract concepts of sense to explain it. This article is done in a librarian way and through a descriptive-analytical method in the poem of Mirza Habib Khorasani.

Keywords: allegorical imagination, love, reason, Mirza Habib Khorasani